نگاه

اشرف رامین

قهرمان‌پروری یا نازپروری؟

چند روزی است که بحث اعزام یکی از مدال‌آوران به خارج از کشور برای جراحی خار پاشنه داغ شده‌است. بااینکه گفته می‌شود کمیته ملی المپیک با این سفر مخالفت کرده، ولی خود ورزشکار هنوز روی خواسته‌اش مصر است و با لحنی تهدیدآمیز سخن می‌گوید. در وهله اول لحن طلبکارانه و متوقعانه این ورزشکار پررنگ به نظر می‌رسد، اما دقیق‌تر که نگاه کنید می‌بینید این اولین باری نیست که یک ستاره ورزشی به دلیل سوءمدیریت‌ها به شکلی عجیب خواسته‌های غیرمنطقی‌اش را بیان می‌کند و رسیدن به آنها را حق خود می‌داند. در این سال‌ها کم نبودند نفراتی که خود را تافته جدا بافته تلقی کرده و مدیران فدراسیون‌ها نیز به جای ایستادگی و دفاع از حق و حقوق سایر ورزشکاران، برای حفظ جایگاه‌شان مقابل مدال‌آور شناخته شده سر تعظیم فرود آورده و به خواسته‌های‌شان تن دادند. یک‌نفر سرمربی را قبول نداشت و تا آخر هم زیرنظر مربی شخصی‌اش تمرین کرد و مدال گرفت، دیگری پس از حاشیه‌سازی و کنار گذاشته شدن از تیم ملی سعی کرد با فشار برخی رسانه‌ها به تیم ملی برگردد و یک نفر هم به اندازه کل ورزشکاران آن رشته سفر و اردوی خارجی داشته و در این شرایط سخت اقتصادی نیز باز هم حاضر نیست در ایران جراحی شود! چنین رفتارهای غیرحرفه‌ای حاصل مدیریت آنهایی است که به جای قهرمان پروری نازپروری کرده و برای آنکه یک مدال به کارنامه مدیریتی‌شان اضافه شود به درخواست‌های عجیب نه نمی‌گویند. درست است که همیشه از بی‌توجهی مسئولان به قهرمانان و مدال آوران ورزش کشور انتقاد شده و می‌شود، ولی این موضوع مهم را نباید با افراط و تفریط اشتباه گرفت. چرا باید یک ورزشکار برای جراحی خار پاشنه به اروپا برود، ولی یک ورزشکار دیگر با وسایل قرضی تمرین کند و حسرت داشتن ابزار استاندارد را داشته باشد. اگر امروز برابر خواسته‌های غیرمعقول تک چهره‌ها سکوت شود در آینده باید منتظر موارد جدید باشیم.

فوتبال اروپا

شیوا نوروزی

بیلسا در صعود لیدز یونایتد نقش اصلی را ایفا کرد

حماسه‌سازی طاووس‌ها در الَندرود

پس از ۱۶سال ممارست بالاخره به آرزوی خود رسیدند و حالا زمان آن است که تیم تازه صعود کرده به لیگ برتر با جدیت بیشتری برای فصل آتی برنامه‌ریزی کند. لیدز یونایتد تیم پرطرفدار انگلیسی است که آخرین بار سال ۲۰۰۶ در لیگ جزیره به میدان رفت و پس از آن با سقوط به دسته یک دیگر نتوانست هوادارانش را خوشحال کند، ولی صبر و بردباری نتیجه داد تا در این روزهای کرونایی جشن خیابانی برپا شود.

■■■

بازگشت رؤیایی به لیگ برتر همان اتفاقی بود که لیدزی‌ها سال‌ها انتظارش را می‌کشیدند. آنها دو هفته مانده به پایان لیگ دسته یک برنلی را شکست دادند و بسیار خوش شانس بودند که همزمان رقیب‌شان وست بروم به هادرسفیلد باخت تا رؤیا به واقعیت تبدیل شود. نشریه دیلی میل با اشاره به درخشش تیم مارسلو بیلسا نوشت: «لیدز در این فصل خوش درخشید و توانست بعد از ۱۶سال غیبت به لیگ برتر باز گردد. آنها فصل را با قهرمانی در لیگ دسته یک به پایان رساندند و به گفته مدیر اجرایی باشگاه هدف آنها موفقیت در اروپا است. اگرچه هدف ترسیم شده از سوی مدیران باشگاه جاه طلبی‌شان را نشان می‌دهد، ولی در کارنامه آنها صعود به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان هم دیده می‌شود. این اتفاق خاطره‌انگیز در سال ۲۰۰۱ رقم خورده و بعد از گذشت نزدیک به دو دهه انگوس کینر مدیر اجرایی لیدز از تکرار درخشش در قاره سبز گفت: «از صمیم قلب خوشحالیم؛ چراکه بعد از مدت‌ها به جایگاه اصلی‌مان بازگشته‌ایم. لیدز نباید در لیگ یک باشد بلکه یک تیم لیگ برتری است و برای ما چالش جدیدی آغاز شده‌است. از هم اکنون به آینده امیدواریم و برنامه‌های زیادی داریم. در چند سال آینده باید قدرت واقعی‌مان را نشان دهیم و یکی از اهداف‌مان قرار گرفتن در جمع شش تیم برتر جزیره است.»

■■■

در این موفقیت سرمربی نقش بسیار مهمی را برعهده داشت. در حقیقت لیدز یونایتد پیشرفت‌های دو فصل اخیر خود را مدیون مارسلو بیلسا است؛ چراکه او از زمانی که هدایت این تیم را برعهده گرفت شیوه بازی تیم را متحول کرد. بیلسا در سال ۲۰۱۸ سکان لیدز دسته اولی را پذیرفت و با آمدن او اوج‌گیری طاووس‌ها آغاز شد. با این حال این خوشحالی در بازی‌های پلی‌آف دوام نداشت و شکست مقابل دربی کانتی آرزوهایشان را برای صعود نقش بر آب کرد. بااین وجود یونایتدها کوتاه نیامدند و عزم‌شان را جزم کردند تا در فصل ۲۰۱۹- ۲۰۲۰ کار را یکسره کنند. همین اتفاق هم رخ داد و سفیدپوشان در الند رود حماسه‌ساز شدند، اما یک مسئله دیگر هنوز وجود دارد، قرارداد سرمربی ۶۴ساله به پایان رسیده و قرار است به زودی مدیران باشگاه قرارداد بلندمدت جدیدی با او امضا کنند. باید دید بیلسا بعد از این موفقیت به پیشنهادهای جذاب دیگرش پشت می‌کند و به لیدز وفادار می‌ماند؟

■■■

میراثی که بیلسا برای لیدز به جای گذاشته تمجید همگان را به همراه داشته است. سایت گل در گزارشی به صحبت‌های گواردیولا در خصوص موفقیت لیدز یونایتد پرداخت: «به نظر می‌رسد اثرات مثبت حضور سرمربی آرژانتینی تا سال‌ها در این تیم دیده شود. سفیدپوشان با تلاش بی‌وقفه خود صعودی رؤیایی را تجربه کردند و در این بین نام سرمربی سابق تیم ملی شیلی، اتلتیکو بیلبائو و مارسی دوباره سر زبان‌ها افتاده‌است.» پپ گواردیولا از اینکه پس از سال‌ها دوست قدیمی‌اش را در لیگ برتر خواهد دید ابراز خوشحالی کرد: «او مأموریتی فوق العاده را به سرانجام رساند. در واقع لیدز فصلی خوب را پشت سر گذاشت. آنها ثابت کردند که شخصیت حضور در لیگ برتر و رقابت در بالاترین سطح را دارند. همه در انگلیس می‌دانند که صعود از دسته یک به لیگ برتر چقدر سخت است به همین خاطر باید به لیدز بابت این موفقیت تبریک گفت. تجربه کار کردن با بیلسا را ندارم اما بسیاری از بازیکنانی را که زیرنظر او کار کرده‌اند می‌شناسم. البته خوشحالم که شانس هم صحبتی با او را داشته‌ام. شیوه مربیگری او در فوتبال منحصر به فرد است و هیچ مربی مثل او نیست. بیلسا را نیز باید آقای خاص نامید و به عقیده من حضور او و تیمش در لیگ برتر را باید به فال نیک گرفت. لیدز قهرمان این فصل دسته یک امشب با تیم چارلتون اتلتیک روبه رو می‌شود.»

مثنی قاسمی | ایرنا

حاشیه‌ای بر جلسه معاون اول دولت با مدیران ارشد ورزش کشور که به قربان‌صدقه رفتن یکدیگر گذشت

مشکلات قهرمانان پشت در ماند!

گزارش
سعید احمدیان

مدیران ارشد ورزش کشور در جلسه با جهانگیری، کم قربان صدقه خودشان و البته دولت نرفتند تا یک تصویر غیرواقعی پیش‌روی معاون اول دولت قرار بگیرد، بدون اینکه کسی از مشکلات ورزشکاران و دغدغه‌هایی که آنها دارند، بگوید و صدای‌شان در جلسه با معاون اول حسن روحانی باشد.

بهترین فرصت از دست رفت، فرصتی که می‌توانست محملی برای انتقال گلایه‌های ورزشکاران به دومین مقام عالی دولت باشد، اما تبدیل شد به جلسه‌ای پر از غلو مدیران و پز دادن به آمارهایی که فقط روی کاغذ درست خوانده می‌شود. حکایت جلسه عصر روز دوشنبه اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور با مدیران ارشد ورزش کشور است، جلسه‌ای که مدیران وزارتخانه، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک و فدراسیون‌ها با کت‌های اتوکشیده روبه‌روی معاون اول نشستند و گزارش کار دادند، گزارش‌هایی که یک خط هم انگار از کمبودها در آن ننوشته بودند و حرف‌های‌شان آن‌طور که سایت وزارت ورزش منتشر کرده، تعاریفی اغراق آمیز از شرایط ورزش کشورمان است، طوری که همه چیز خوب است و روبه‌راه و ملالی نیست جز دوری معاون اول.

■ مدیرانی که کرونا را شکست دادند!

خروجی جلسه معاون اول رئیس جمهور آینه تمام‌نمای ورزش کشور نبود، هر مدیری که پشت تریبون قرار می‌گرفت و آمارهای کاغذی‌اش را تند تند روخوانی می‌کرد تا همه چیز را عالی نشان دهد و تأییدهای معاون اول گل از گلش بشکفد! در جلسه مدیران ورزش و جهانگیری، گزارش‌های اغراق آمیز حتی کار را به جایی رسانده‌بود که یکی از مدیران در حالی که تمام بخش‌های مختلف جهان از کرونا آسیب دیده‌اند و بحران را تجربه می‌کنند، او مدعی شد که شیوع این ویروس نه تنها سبب کندی کار نشده، بلکه در حوزه مسئولیتی‌اش کارها همچنان روند رو به رشدی دارد.

صحبت‌های عبدالحمید احمدی، معاون فرهنگی و ورزش همگانی وزیر ورزش را بخوانید و حیرت کنید: «حتی شیوع ویروس کرونا در کشور نتوانسته تأثیری در روند روبه‌رشد ورزش همگانی بگذارد.» چنین آمارهایی در جلسه معاون اول و مدیران ورزش کم نبود تا تصویر ورزش به صورت غلو شده و دور از واقعیت برای جهانگیری ترسیم شود.

این در حالی است که ورزش ایران کم از چنین آمارها و گزارش‌های اغراق آمیزی ضربه نخورده است، مسئله‌ای که سبب می‌شود تا مدیران ارشد دولت هم خیال‌شان تخت باشد با مدیرانی که در ورزش سرکارند، اوضاع روبه‌راه است، طوری که حتی کرونا هم تکان‌شان نداده است.

علاوه بر این دست‌های خالی مدیران ورزش در این جلسه در برخی مواقع بدجور توی چشم می‌زد، مسئله‌ای که سبب شده تا وزیر ورزش همچنان در حال و هوای دو سال پیش سیر کند و برگه سخنرانی را که در دو سال اخیر بارها روخوانی کرده تکرار کند: «پرافتخارترین و درخشان‌ترین حضور ایران در جام‌جهانی در جام‌جهانی ۲۰۱۸ روسیه بود و ایران در گروه مرگ نتایج خوبی گرفت و حتی بعد از باخت ایران به اسپانیا هم مقام معظم رهبری پیام تشکر دادند.» چند بار این صحبت‌ها را از زبان سلطانی‌فر شنیده بودید؟

■ هندوانه‌های زیر بغل دولت

علاوه بر اغراق و آمارهای کاغذی، کم هندوانه از سوی مدیران ارشد ورزش برای خوشامد مدیران ارشد دولت زیر بغل‌شان گذاشته نشد. مانند وزیر ورزش که در این جلسه گفته است: «دکتر جهانگیری با روی باز و با استفاده از همه امکان و اقتداری که دارند، مشکلات را حل و گره‌ها را باز و مسیر را هموار می‌کنند.» البته به نظر می‌رسد تعریف سلطانی‌فر به گره‌گشایی معاون اول از جیب کارگران برای پرداخت ۲میلیون یورو به ویلموتس و پاداش ۴۵۰هزار یورویی به فوتبالی برگردد!

رضا صالحی امیری، رئیس کمیته ملی المپیک هم خدمات دولت در بخش ورزش را قابل مقایسه با هیچ دولتی در گذشته نمی‌داند: «گسترش ورزش کشور در چهار سال گذشته و در دولت تدبیروامید قابل مقایسه با ادوار گذشته نیست که قطعاً در آینده این کارها ماندگار می‌شود.»

■ صدای قهرمانان نشدند

همه این غلوهای آماری و تعریف‌های اغراق آمیز سبب شد تا جلسه جهانگیری با مدیران ارشد ورزش برای قهرمانان و جامعه ورزش خروجی نداشته‌باشد و مشکلات‌شان دیده نشود. این در حالی است که جلسه روز دوشنبه می‌توانست، بهترین فرصت برای بیان کمبودها و مشکلاتی باشد که ورزشکاران کشورمان در فاصله یک‌سال مانده تا المپیک با آن درگیر هستند. بودجه‌ای که کفایت این همه رشته ورزشی و تأمین زیرساخت‌ها برای موفقیت قهرمانان را ندارد و قهرمانانی که قانون حمایتی از آنها تنها روی کاغذ مانده و مشکلات معیشتی و شغلی‌شان ناراحت کننده است، مانند قهرمانی که با کمان قرضی تمرین می‌کند یا ملی‌پوشی که برای اینکه تمرینش قطع نشود، پارویش را می‌فروشد تا بتواند هزینه وعده غذایی‌اش را تأمین کند.

بهترین فرصت از دست رفت و یک مدیر پیدا نشد که از تبعیض‌های معاون اول و توجه افراطی‌اش به فوتبال گلایه کند و صحبت‌های قهرمانانی که پشت درهای بسته مسئولان ارشد دولت مانده‌اند را به گوش جهانگیری برساند.

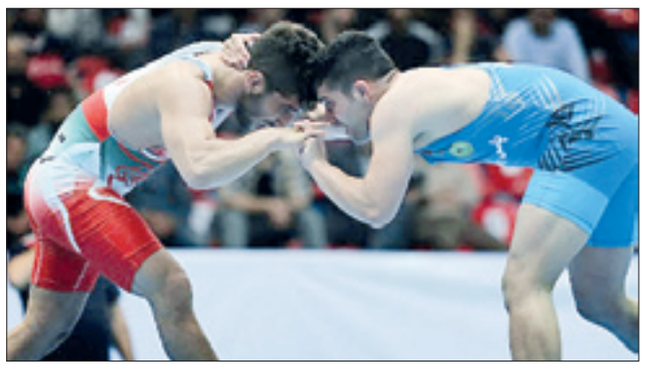

شرایط کشتی فرقی با فوتبال ندارد

خبر
عبدالمهدی نصیرزاده،

رئیس سازمان لیگ کشتی با اشاره به اینکه عدم برگزاری لیگ ۹۹ هرگز در دستور کار سازمان لیگ نیست، به تسنیم گفت: «ما به‌دنبال برگزاری لیگ برتر به خاطر کشتی هستیم. با وجود موج دوم کرونا، مسابقات فوتبال برگزار می‌شود. کرونا در تمام دنیا هست، ولی همه دارند زندگی می‌کنند و کارهای‌شان را پیش می‌برند. نگویید لیگ را کنسل کنید، لطفاً راهکار بدهید. مسئله روانی هم هست. ما باید به فکر برگزاری مسابقات در همین شرایط باشیم. خودمان کشتی را خوار نکنیم، کرونا هم مثل همه اتفاقات فروکش می‌کند، کشتی قرار است بماند، این قدر انرژی منفی ندهیم. شرایط کشتی و فوتبال خیلی با هم فرق نمی‌کند. ما اگر تماشاگر نداشته باشیم و تست کرونا از کشتی‌گیران گرفته شود و آنها در قرنطینه باشند، مشکلی پیش نمی‌آید.»

آماده کسب سهمیه المپیک هستم

چهره
حامد قهرمانی

تعویق یکساله المپیک توکیو شاید بهترین خبر برای سهراب مرادی بود. قهرمان وزنه‌برداری المپیک ایران برای تکرار مدال طلای المپیک ۲۰۱۶ با مشکل بزرگ مصدومیت مواجه شد. عمل جراحی با موفقیت انجام شد، اما فرصت کوتاه سهراب برای آمادگی و شرکت در مسابقات انتخابی اصلی‌ترین نگرانی بعد از مصدومیت بود. اما حالا داستان فرق کرده المپیک یک‌سال به تعویق افتاد تا سهراب وزنه‌برداری ایران با خیال راحت تمریناتش را حتی در این روزهای کرونایی پیگیری و خودش را آماده حضور قدرتمندانه در المپیک کند. قهرمان المپیک می‌گوید: «فقط منتظرم تاریخ برگزاری رقابت‌های انتخابی بازی‌های المپیک از سوی فدراسیون جهانی وزنه‌برداری اعلام شود و از این سردرگمی و بلاتکلیفی دربیایم. سپس خود را آماده شرکت در مسابقات گزینشی می‌کنم و نسبت به زمان قطعی برگزاری مسابقات با جدیت فشار تمریناتم را بالا خواهم آورد تا مجوز حضور در بازی‌های المپیک را بگیرم. برای حضور در المپیک توکیو فقط باید در یک مسابقه انتخابی شرکت کنم و در آن رقابت نیز مجموع ۳۹۵ یا ۴۰۰کیلوگرم را به ثبت برسانم. ان‌شاءالله مشکل خاصی پیش نمی‌آید و به راحتی این رکورد مجموع را می‌زنم و سهمیه را کسب خواهم کرد.»

تحریم‌ها مانع کسب کرسی بین‌المللی در ورزش است!

بازتاب
فریدون حسن

لزوم برخورداری از کرسی‌های بین‌المللی و نفوذ در مجامع جهانی ورزش از جمله مسائلی است که سالهاست ورزش کشور را به‌دلیل عدم برخورداری از آن با ضررهای زیادی روبه‌رو کرده است. دردآورتر است ورزش ایران یا در جریان انتخابات‌های مجامع بین‌المللی کاندیدایی ندارد (مثل همین انتخابات تازه برگزار شده در کمیته بین‌المللی المپیک) یا اینکه اسیر خودزنی و اختلافات داخلی می‌شود.

جالب اینکه تمام مسئولان ورزش کشور از ریز و درشت هم به این واقعیت معترف هستند، اما مشخص نیست که چرا هیچ اقدامی در این زمینه انجام نمی‌شود و همه چیز با توجه به اینکه آقایان می‌گویند کار پیچیده و سختی است، در حد شعار و حرف باقی می‌ماند و حتی پای تحریم‌ها هم به میان می‌آید. درست مانند حرف‌های روز گذشته دبیر کل کمیته ملی المپیک. کیکاوس سعیدی در این خصوص می‌گوید: «کسب کرسی بین‌المللی کار سخت و پیچیده‌ای است و نیازمند کار ملی، راهبرد مناسب و ارتباطات و لابی بین‌المللی است. افرادی هستند که سال‌ها در ورزش دنیا بوده‌اند، شناخته‌شده هستند و برند ورزش شده‌اند ما به مدیریت باثبات و طولانی نیاز داریم تا مدیران ارشد ما شناخته شوند و با ارتباطات بین کشورها، شرایط فراهم شود. کسب کرسی در کمیته بین‌المللی المپیک مستلزم ثبات مدیریتی است و برخی مدیران IOC بیش از دو یا سه دهه کار می‌کنند. هاشمی‌طبا در مقطعی این توفیق را برای کشور به ارمغان آورد که عضو کمیته بین‌المللی المپیک شد که افتخاری برای کشور ما بود و حفظ نشد.» سعیدی پای تحریم‌های ظالمانه امریکا و اروپا را هم به این جریان باز می‌کند و می‌گوید: «باید ببینیم در زمینه‌هایی به‌جز ورزش چقدر کرسی‌های جهانی داریم. صالحی‌امیری در دو سال گذشته جلسات زیادی را با مقامات مختلف ورزش دنیا داشت که برای رفع برخی مشکلات از جمله تعلیق‌ها بود و به موضوعات دیگر هم پرداخت.»

مقاب

اسکوچیچ در تمرین نساجی

تعامل اسکوچیچ با سرمربیان تیم‌های باشگاهی ایران این بار او را به تمرین نساجی کشاند. سرمربی تیم ملی در روزهای کرونایی ورزش فرصتی برای برپایی اردوهای تیم ملی نداشته، روزهای خود را با برنامه‌هایی که ریخته پر می‌کند. برنامه‌هایی که در رأس آن تماشای بازی‌های حساس لیگ قرار دارد و دیدار با کادرفنی تیم‌ها و گفت‌وگو با سرمربیان لیگ برتری. این بار اما اسکوچیچ به جای یک گفت‌وگوی دوستانه با فکری، بعد از صحبت‌هایی که با سرمربی نساجی داشت دیداری هم با بازیکنان این تیم انجام داد و با حضور در بین نفرات این تیم شمالی که این روزها در میانه‌های جدول جای گرفته با اشاره به اینکه او بازیکنان را انتخاب می‌کند و سرمربیان تیم‌ها آنها را تمرین می‌دهند تأکید کرد که هیچ استعداد و توانمندی از چشمان او دور نمی‌ماند.

یادداشت

دنیا حیدری

تعریف جدید مدیریت در فوتبال!

حیف است. استفاده نکردن از این چنین استعدادهای نابی به واقع حیف و خیانت به عرصه مدیریت است! مدیران فوتبال ایران را باید در مقاطع پیشرفته تحصیلی به کار گرفت و توانمندی‌های مدیریتی و راهکارهای ناب آنها در حل مشکلات را باید در قالب واحدهای درسی رشته مدیریت در دانشگاه‌ها تدریس کرد تا نسل جوان از این دانش بالقوه و استعدادهای طلایی بی‌بهره نماند! چراکه نه! راهکار هوشمندانه سعادتمند، مدیرعامل توانمند استقلال در زمینه حل و فصل مشکلات مالی این باشگاه یک درس سه واحدی است (استقلالی‌های واقعی طلبشان را ببخشند!) و چرا دانشجوهای رشته مدیریت از این چنین استعدادهایی بی‌نصیب بمانند؟

قبل از روی کار آمدن، ادعاهایشان یادآور شخصیت‌های کارتونی است که به شکلی جادویی و معجزه وار همه مشکلات را به آنی از سر راه برمی‌دارند. اما به محض تکیه زدن بر مسند قدرت بهترین راهکارشان می‌شود راستی آزمایی واقعی بودن عشق بازیکنان سابق و فعلی تیم و می‌گویند که استقلالی‌های واقعی طلبشان را ببخشند. یعنی این نهایت مدیریتی است که می‌توانند بکنند و راهکاری که ممکن است برای حل و فصل مشکلات مالی در ذهنشان جرقه بزند. البته جدا از داستان هواداری که همواره خود را مالک جیب او می‌دانند و هر از چندگاهی برابرشان کاسه گدایی می‌گیرند تا جیب های خود را پر کنند!

نهایت شیوه مدیریت فوتبال ایران همین است. بازی با احساسات هوادار برای خالی کردن جیبش و گذاشتن بازیکنان مقابل هواداران که اگر عشق به تیم دارند از حق و حقوقشان بگذرند. اما به قول علی دایی چرا؟ چرا بازیکن و مربی باید از حق عقب افتاده خود بگذرند، وقتی آقایان به اصطلاح مدیر حق و حقوقشان را بیش از آنچه که باید گرفتند.

صد البته که سعادتمند امروز دارد تاوان مدیران قبلی را پس می‌دهد. همان مدیرانی که هیچ یک از آنها تا به امروز جز طلبکاران مالی فوتبال نبودند و هرگز برای دریافت حق و حقوق خود ناچار نشدند تا دست به دامان فیفا یا حتی نهادهای داخلی شوند. همان مدیرانی که برای به جیب زدن حق دلالی خود قراردادهای پرطمطراق می‌بندند. قراردادهایی که بعد از ماه‌ها و حتی سالها تسویه حساب نشده‌است. می‌شود بهانه گرو کشی عاطفی آقایان که اگر عاشق واقعی باشند از رقم آن باید بگذرند. اما چرا؟ چرا وقتی مدیران از کوچک‌ترین حق و حقوق خود نمی‌گذرند، بازیکنان و مربیان باید چنین کنند. بازیکنان و مربیانی که اگر کمی به عقب برگردیم، می‌توانیم در بین آنها آقای گل، بهترین گلر، بهترین مدافع و عنوان‌های این‌چنینی و حتی موفقیت‌هایی چون قهرمانی را در کارنامه‌هایشان دید. موفقیت‌هایی که اما نه دستمزد و پاداش آن زمانی که باید پرداخت نشده، که حالا هم توصیه می‌شود به گذشتن از آن با دست گذاشتن روی احساسات طلبکارانی که تا به امروز برای گرفتن حق و حقوقشان صبوری کردند!

نه فقط مدیریت که منطقشان هم مثال‌زدنی است که تا تقی به توقی می‌خورد، قیافه حق به جانب می‌گیرند که در بدترین شرایط تیم را تحویل گرفتند، اما به روی مبارک نمی‌آورند که کسی چاقو نگذاشته‌بود، بیخ گلویشان برای قبول مسئولیت! هیچ‌گونه اشاره‌ای نمی‌کنند که قیافه قهرمانان داستان را به خود گرفته‌بودند، وقتی قصد نشستن بر صندلی مدیریت را داشتند و فراموش کردند که به عنوان یک مدیر برای حل و فصل مشکلات و پیشبرد کار است که آمده‌اند وگرنه گدایی کردن از هوادار و توصیه به طلبکاران برای بخشیدن طلبشان و گله از مشکلات را که هر کسی به خوبی بلد است و نیازی به یدک کشیدن پسوند و پیشوند مدیریت ندارد!

مدیریتی که بدون تردید با پاس کردن چند واحد آن بهتر می‌توان تصمیم گرفت و بر مشکلات فائق آمد. مگر آنکه جزو آن دسته از دانشجویانی باشید که نه فقط حضور در کلاس را تجربه نکردید که نمرات کسب کرده را نیز بعد از بارها افتادن با عدد و رقمی ناپلئونی و سرمرز پاس کرده باشید که امروز و زمانی که باید با استفاده از دانشی که کسب کردید، راهکاری ارائه دهید تنها ایده‌ای که به ذهنتان می‌رسد دست دراز کردن مقابل هوادار باشد و استمداد کمک از آنها و انتظار غیرمنطقی از طلبکاران برای بخشیدن مطالباتشان و با به میان آمدن کوچک‌ترین انتقادی هم به این شیوه مدیریتی، مدعی شوید که در بدترین شرایط تیم را تحویل گرفته‌اید.

این داستان تکراری فوتبال ایران است که نشان از رفت و آمد مدیرانی نالایق دارد که کوچک‌ترین سررشته‌ای از مدیریت ندارند و با اهدافی جز حل و فصل مشکلات است که در رأس امور باشگاه‌های مختلف فوتبال ایران قرار می‌گیرند. اهدافی که صد البته پرداختن به آن و بازکردنش در این مقال نمی‌گنجد!

خبر کوتاه

برای تأمین مخارجم با اسنپ کار می‌کنم

نادر مرادی، دارنده مدال طلای پارالمپیک ۲۰۱۲لندن و برنده مدال نقره مسابقات جهانی قزاقستان در دسته ۷۲کیلوگرم پارا وزنه‌برداری در پی تعطیلی اردوها و عدم حمایت مسئولان چند ماهی است که برای تأمین مخارج خود در اسنپ کار می‌کند: «بعد از تعطیلی تمرینات و اردوها به دلیل شیوع کرونا از کمیته پارالمپیک درخواست امانی تجهیزات وزنه‌برداری کردم، برای تمرین در خانه که موافقت نشد. فدراسیون جانبازان و معلولان هم گفت که تجهیزات برای تیم‌ملی است و فقط در زمان اردو می‌توان استفاده کرد. به همین دلیل به‌انجام تمرینات سبک در خانه اکتفا کردم. تهیه تجهیزات که چیزی حدود ۸۰میلیون تومان است، از توان من که شغل خاصی ندارم خارج است. الان نیز برای تأمین مخارج خود چند ماهی است که با اسنپ کار می‌کنم.»